

تحلیل فضایی و سطوح توسعه یافتگی استان گیلان

دکتر مجید یاسوری^{۱*}

امیر محمدی^۲

سیده فاطمه امامی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۳

چکیده:

به کارگیری روش‌های علمی به منظور بررسی و سطح‌بندی مناطق از حیث توسعه‌یافتگی در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، منجر به شناخت میزان نابرابری‌ها گردیده است و معیاری برای تلاش در حوزه کاهش و رفع نابرابری‌های موجود میان آن‌ها نیز محسوب می‌شود. هدف از مقاله حاضر بررسی وضعیت برخورداری شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی شهرستان‌های استان گیلان به صورت مجزا و ترکیبی می‌باشد. روش انجام تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات به روش مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. به منظور رتبه‌بندی شهرستان‌های استان گیلان از لحاظ توسعه یافتگی شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و بهداشتی-درمانی، از مدل سطح‌بندی تاپسیس و ویکور و برای ترسیم و تهیه نقشه‌ها از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در نهایت از آزمون ANOVA برای تحلیل واریانس بین دو جامعه شهرستان‌های حاشیه دریای خزر و دیگر شهرستان‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که در میان شهرستان‌های استان گیلان در بخش شاخص‌های ترکیبی، بندرانزلی توسعه یافته‌ترین شهرستان و شهرستان تالش در پایین‌ترین رتبه توسعه یافتگی قرار داشته است. در بخش شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، شهرستان بندرانزلی توسعه یافته‌ترین و شهرستان تالش توسعه نیافته‌ترین شهرستان می‌باشد. همچنین در بخش شاخص‌های اقتصادی، شهرستان بندرانزلی توسعه یافته‌ترین و شهرستان رودسر توسعه نیافته‌ترین و در نهایت در بخش شاخص‌های بهداشتی-درمانی، شهرستان لاهیجان توسعه یافته‌ترین و رضوانشهر توسعه نیافته‌ترین شهرستان استان گیلان از نظر دسترسی به شاخص‌های بهداشتی-درمانی می‌باشد. در نهایت بررسی‌ها حکایت از وجود تفاوت بین شهرستان‌های نواحی ساحلی و سایر شهرستانها در زمینه ضریب توسعه در شاخص‌های مورد بررسی است.

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، استان گیلان، تاپسیس، ویکور، نواحی ساحلی

* yasoori@um.ac.ir

۱. استاد گروه جغرافیای دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

امروزه مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورها است، به عبارتی، توسعه چیزی جز رضایت بهتر از وضعیت زندگی مردم نیست. بسیاری از نظریه پردازان، بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید دارند. نبود توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون موجب ایجاد شکاف و تسریع نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (اذانی و شاه کرمی، ۱۳۹۶: ۲، به نقل از ضرابی و تبریزی، ۱۳۹۰). شناخت نابرابری و عدم تعادل در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف (کشور، استان و شهرستان)، پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها، از وظایف اساسی متولیان توسعه مناطق جغرافیایی به‌شمار می‌رود، برنامه‌های توسعه باید به دنبال بهبود و ارتقای سطح زندگی باشد. کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای به منظور جلوگیری از حرکات و جابه جایی نیروی انسانی و سرمایه، در فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه بسیار مؤثر است (مشکینی و معززبرآبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۳، به نقل از علوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰). بدین منظور برای شناخت تفاوت سطح توسعه‌ی مناطق، لازم است ابتدا وضعیت موجود هر منطقه بررسی شود تا اینکه بتوان بر این اساس برای کاهش یا از میان بردن تفاوت‌ها برنامه‌ریزی منطقه‌ای انجام داد (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳، به نقل از حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۵: ۲۱۵). در ایران سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در تک شهر مسلط و مادرشهر ناحیه‌ای موجبات اصلی این نابرابری‌ها بوده است. وجود این نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد. این وضعیت به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته‌تر منجر شده است (سجادپان و اکرامی، ۱۳۹۷: ۴۸، به نقل از تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی مناطق کشور یا نواحی یک استان، از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای تحت تاثیر قرار دهد (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۶). میزان برخورداری یا دسترسی به امکانات و خدمات رفاه اجتماعی و توزیع بهینه آنها در سطح کشورها و شهرستان‌ها از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است (فتح الله ویسی ناب، ۱۳۹۶: ۱۲۳). اهمیت سطح‌بندی‌ها آن است که با شناخت تنگناها و قابلیت‌ها و سطوح توسعه نواحی می‌توان سطح زندگی مردم یک ناحیه را به خوبی نشان داد و از طرف دیگر به ارائه طرح‌ها و برنامه‌هایی جهت کاهش محرومیت آن نواحی پرداخت (حسن‌پور و امان‌پور، ۱۳۹۴: ۱).

سیاست‌های منطقه‌ای، یکی از موضوعات مهم پژوهش‌های رشد و توسعه مناطق هستند. در تدوین سیاست‌های منطقه‌ای کارا، بررسی و ارزیابی آثار سیاست‌های منطقه‌ای، به ویژه با رویکرد کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در مناطق، اهمیت دارد. نابرابری اقتصادی در بسیاری از مناطق کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد. این وضعیت، در تقابل با نظریه‌های کلاسیک است که در آنها همواره بر این موضوع تأکید می‌شود که نابرابری‌های منطقه‌ای، از طریق تحریک منابع، عوامل و تجارت رفع می‌شوند. علاوه بر این، رشد اقتصادی در سطح ملی، همواره به رشد مستمر و بالاتر همه مناطق وابسته است. تحقق رشد اقتصادی، زمانی میسر است که قدرت رقابتی مناطق، در دستیابی به سهم بیشتر در رشد ملی، افزایش یابد و با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات، رشد اقتصادی به نحوی موزون و منطقی تداوم یابد تا موجب کاهش نابرابری‌ها میان مناطق گردد. از این رو، دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند که سیاست‌ها و سازوکارهایی (در سطح ملی و منطقه‌ای) تدوین کنند تا تحرک عوامل و منابع را در بین مناطق مذکور افزایش دهند تا این شکاف کاهش و سهم مناطق در رشد ملی، افزایش یابد (ازوجی، ۱۳۹۰: ۸۴).

استان گیلان همانند دیگر استان‌های کشور به پیروی از قانون مرکز پیرامون از نظر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی شرایط مطلوبی نداشته و در سطح‌بندی خدمات و نظام سکونتگاهی، عدم تعادل دارد. هدف از این تحقیق، محاسبه و بررسی شاخص‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان بر اساس آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن و سالنامه‌های آماری استان است. در این پژوهش، شهرستان‌های استان گیلان از نظر شاخص‌های مختلف توسعه در بخش‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و بهداشتی-درمانی با استفاده از مدل تاپسیس و مدل موریس و وزن دهی به روش آنتروپی شانون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و وضعیت توسعه‌یافتگی و میزان برخورداری شهرستان‌ها به لحاظ این شاخص‌ها مشخص خواهد شد. مساله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده، این است که با توجه به شاخص‌های توسعه مدنظر، نحوه توزیع امکانات و خدمات چگونه است و کدام یک از شهرستان‌های استان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه دارای موقعیت مناسب و کدام یک محروم می‌باشند و رتبه هر یک از شهرستان‌ها در سطح استان چگونه است و در کدام یک از شاخص‌ها اختلاف و نابرابری بین شهرستان‌ها زیاد است؟ و به طور کلی در این پژوهش به دنبال این خواهیم بود که با استفاده از شاخص‌های مختلف میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان را مورد سنجش و بررسی قرار دهیم. بنابراین با توجه به این موارد اهداف تحقیق از قرار زیر است:

- تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه استان گیلان به تفکیک شهرستان

- سطح‌بندی شهرستان‌های استان گیلان از نظر شاخص‌های توسعه در بخش‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و بهداشتی-درمانی
- سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان و رتبه‌بندی آن‌ها به لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه

پیشینه تحقیق

سادات سعیده زرآبادی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «سطح‌بندی و سنجش میزان توسعه‌یافتگی منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری با بهره‌گیری و مقایسه تطبیقی نتایج روش‌های ارزیابی چند معیاره (TOPSIS, ELECTRE, VIKOR)» با استفاده از شاخص‌هایی در بخش‌های اقتصادی، جمعیتی، آموزشی، فرهنگی-مذهبی، بهداشتی-درمانی و زیرساختی، به این نتیجه رسیده‌اند که شکاف زیادی بین شهرستان‌های استان و توسعه‌ای نامتعادل بین آن‌ها با توجه به شاخص‌های مورد استفاده وجود داشته است، به طوری که شهرستان شهرکرد نسبت به شهرستان‌های دیگر، توسعه‌یافته‌ترین و شهرستان‌های لردگان، بروجن، کیار، فارس، کوهنگ و اردل در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

صدری فرد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی با استفاده از مدل تاپسیس^۱» به تعیین درجه توسعه‌یافتگی این استان پرداخته‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که در بخش شاخص اقتصادی، اسفراین توسعه‌یافته‌ترین شهرستان و مانه و سملقان در پایین‌ترین رتبه توسعه‌یافتگی قرار داشته است. در بخش شاخص آموزشی-فرهنگی شهرستان گرمه، توسعه‌یافته‌ترین و بجنورد توسعه‌نیافته‌ترین شهرستان بوده است. همچنین در بخش شاخص بهداشتی-درمانی، شهرستان بجنورد توسعه‌یافته‌ترین و مانه و سملقان توسعه‌نیافته‌ترین و در نهایت در شاخص زیربنایی شهرستان شیروان توسعه‌یافته‌ترین و مانه و سملقان توسعه‌نیافته‌ترین شهرستان استان خراسان شمالی از نظر دسترسی به شاخص‌های زیربنایی می‌باشد.

اذانی و شاه کرمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان براساس شاخص‌های آموزشی و فرهنگی با استفاده از مدل تاپسیس» به سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان پرداخته‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شهرستان الیگودرز به عنوان برخوردارترین و شهرستان دلفان به عنوان محروم‌ترین شناخته شده‌اند و در رتبه‌بندی انجام شده هیچکدام از شهرستان‌ها توسعه‌یافته نبوده‌اند.

1. TOPSIS

ریگی و یآوری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل‌های تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ و تاپسیس (شهرستان‌های زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار)» از ۱۵ شاخص در بخش‌های کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان استفاده نموده‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که در بخش‌های آموزشی و بهداشت و درمان، شهرستان زاهدان دارای رتبه اول بوده، و در بخش کشاورزی نیز شهرستان زابل در سطح اول قرار داشته است. همچنین شهرستان چابهار در بخش‌های بهداشت و درمان و کشاورزی و شهرستان ایرانشهر در بخش آموزشی کمتر از دیگر شهرستان‌ها توسعه یافته‌اند.

جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل براساس تکنیک تاپسیس در محیط جی‌آی‌اس» با استفاده از ۸ شاخص، اقدام به سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل نموده‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شهرستان خلخال برخوردارترین و شهرستان‌های بیله‌سوار، پارس‌آباد، مشکین‌شهر و نیر جزو محروم‌ترین شهرستان‌های استان، و شهرستان‌های اردبیل، سرعین، نمین و کوثر جزو مناطق نیمه برخوردار بوده است.

مشکینی و معززبرآبادی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی» از ۲۴ متغیر برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان استفاده نموده‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که در سطح شهرستان‌های استان خراسان رضوی عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری از لحاظ متغیرهای مورد مطالعه وجود داشته است، به طوری که شهرستان مشهد در رتبه اول و شهرستان‌های گناباد و درگز و نیشابور در رتبه‌های دوم و سوم و چهارم قرار گرفته‌اند و شهرستان زاوه در رتبه بیست و هفتم به عنوان محروم‌ترین شهرستان شناخته شده است.

ملکی و حسینی (۱۳۹۵) در مقاله «سطح‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک فازی» از ۳۳ شاخص مختلف توسعه استفاده نموده‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شهرستان ایلام در سطح برخوردار، شهرستان‌های شیروان چرداول، آبدانان، دره شهر و دهلران در سطح نیمه برخوردار، شهرستان ایوان و مهران در سطح برخوردار کم و شهرستان ملکشاهی در سطح عدم برخورداری قرار گرفته است.

حسن‌پور و امان‌پور (۱۳۹۴) در مقاله «سنجش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان گیلان» از ۵۰ شاخص استفاده نموده‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شهرستان رشت به عنوان برخوردارترین و شفت محروم‌ترین شهرستان استان بوده است. آزمون T نیز اختلاف معناداری

بین جمعیت و برخورداری از شاخص‌های توسعه را نشان داده است و شکاف عمیقی بین شهرستان‌های استان گیلان از شاخص‌های توسعه وجود داشته است.

میرباقری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از مدل‌های آنالیز تاکسونومی عددی و سلسله مراتبی» به این نتیجه رسیده‌اند که بین شهرستان‌های این استان از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، نابرابری وجود داشته است به طوری که شهرستان اردبیل دارای برخورداری بیشتری بوده و از شهرستان‌های دیگر فاصله زیادی داشته است و طبق تجزیه و تحلیل حاصل از مدل‌های تاکسونومی عددی و تحلیل سلسله مراتبی، شهرستان مشکین شهر بعد از اردبیل، در سطح اول توسعه و شهرستان خلخال در سطح دوم توسعه قرار گرفته است.

قنبری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل و اولویت‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس» به سطح‌بندی و تعیین میزان نابرابری موجود میان شهرستان‌های استان لرستان پرداخته‌اند؛ نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شهرستان خرم‌آباد دارای رتبه اول از نظر میزان توسعه‌یافتگی می‌باشد و شهرستان سلسله در آخرین مرتبه توسعه یافتگی در استان قرار داشته است.

جو و همکاران (۲۰۰۰) یک روش برای طبقه‌بندی مناطق مختلف کشور بلژیک به منظور حمایت از سیاست توسعه منطقه‌ای ارائه دادند. این رتبه‌بندی با استفاده از تکنیک‌های آماری چند متغیره تحلیل خوشه‌ای و با استفاده از ۳۳ شاخص اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و غیره انجام شد.

باهتیا و رای (۲۰۰۴) با استفاده از ۲۳ شاخص و با استفاده از روش تحلیل عاملی و مدل تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه یافتگی ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه هندوستان در سال ۲۰۰۱ پرداختند که در نهایت ۵۶ بلوک را توسعه-یافته، ۱۵۶ بلوک را نسبتاً توسعه یافته ۱۱۶ بلوک را کمتر توسعه یافته و ۵۲ بلوک را توسعه نیافته مورد بررسی قرار دادند و تقسیم کردند.

شارما (۲۰۰۴) در مناطق مختلف ایالت براهما پوترا هند نشان داد که تفاوت در بهره‌وری نیروی انسانی عامل اصلی بروز نابرابری‌های منطقه‌ای است. روش مورد استفاده برای تعیین نابرابری‌ها، ضریب تغییر و تحلیل مولفه‌های اصلی است.

مریامیرون و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان شاخص‌های رشد اقتصاد منطقه‌ای در رومانی بر پایه ۹ شاخص توسعه و استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص ترکیبی را برای ۸ منطقه رومانی تهیه و مناطق را در نهایت سطح‌بندی کرد.

کارل رزنستاین (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان توسعه فرهنگی و محله‌های شهری به بیان چهار ویژگی سیاست توسعه فرهنگی می‌پردازد و به استدلال تأثیر این ویژگی‌ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات می‌پردازد.

با مروری بر پیشینه پژوهش، مشخص می‌شود که بسیاری از پژوهش‌ها جهت سنجش سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان، از تکنیک تاپسیس استفاده کرده‌اند؛ بنابراین در این پژوهش نیز با به کارگیری این تکنیک و همچنین تکنیک ویکور و کریجینگ به سطح‌بندی و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان گیلان پرداخته‌ایم.

مبانی نظری

توسعه از نظر لغوی؛ به معنی فراخی و وسعت است و در فرهنگ‌ها به فرایند رشد، افتراق و تطور طبیعی یک نظام، طی تحولاتی متوالی از حالتی ناقص به وضعیتی کامل‌تر تعریف شده است (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹، به نقل از ملکی، ۱۳۹۰: ۳۶). این مفهوم، از مفاهیم عمده و چالش برانگیز برای بشریت است که صورت رقابتی آن برای دستیابی به معیارهای استاندارد زندگی از ابتدای قرن بیستم نمود یافته است (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۵، به نقل از Frazier, 1997: 187). در توسعه هدف، بهبود شرایط موجود و حرکت در مسیر مطلوب جهت رفاه می‌باشد. و کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد (سجادیان و اکرامی، ۱۳۹۷: ۵۲، به نقل از Storper, 2006:20). به طور کلی در ادبیات توسعه سه طرز تلقی از مفهوم توسعه ارائه شده است؛ توسعه به مثابه‌ی یک مجموعه اقدامات مشخص، توسعه به مثابه‌ی فرآیند تغییر و تحولات بنیادی و بالاخره توسعه به مثابه مجموعه‌ای از دستاوردها و اقدامات مشخص است. در این میان اگرچه همواره پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه بوده و هست، اما تنها عامل و دلیل آن نیست یا به عبارتی توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست بلکه توسعه یعنی تغییرات کیفی در سطح رشد و درآمد همگانی است. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ضمن حذف نابرابری‌ها ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی برای تمام اقشار جامعه باشد (بابایی اقدام و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹، به نقل از تودارو، ۱۳۶۴: ۱۷). مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه پایدار می‌باشد؛ به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آن‌ها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید. مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند، معمولاً از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های

توسعه به دور هستند؛ همین امر سبب می شود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آن ها تنزل می یابد (منتظر و شاهرخی فر، ۱۳۹۷: ۲۰۱، به نقل از نظم فر ۲ و علی بخشی، ۱۳۹۳: ۷). وجود این نابرابری ها سبب شده است که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روز به روز بیشتر شود، عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست دهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند. این امر نه تنها باعث رشد و توسعه کشور نشده، بلکه روند کلی توسعه را نیز ناعادلانه تر و آهسته تر کرده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۵، به نقل از زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶). یکی از مهم ترین وجوه نابرابری ها، نابرابری فضایی است که بیانگر وضعیتی است که واحدهای فضایی و مناطق جغرافیایی از نظر برخورداری از شاخص های مختلف توسعه در سطوح متفاوتی قرار می گیرند. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ ابعاد فضایی در تحلیل مسایل توسعه کمتر مورد توجه قرار می گرفت. اما در این دهه به تدریج با جهت گیری رویکردهای مبتنی بر عدالت اجتماعی در مفاهیم توسعه، حذف نابرابری های توسعه در ابعاد مختلف و توجه به توسعه مناطق به عنوان هدف اصلی برنامه های توسعه مد نظر قرار گرفت (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۹، به نقل از ضرابی و همکاران، ۱۳۹۶). نابرابری فضایی را می توان توزیع نابرابر فرصت ها و موانع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه ای است در هر جامعه ای می تواند جنبه های مختلف به خود گیرد. اشکال قابل رویت نابرابری فضایی در کشورهای در حال توسعه عبارتست از نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی در شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸، به نقل از دهقان، ۱۳۸۶).

سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می دهد و وضعیت مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می کند. با این روش، روند شکل گیری توسعه قطبی مناطق مشخص می شود و در نهایت، در برنامه ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کمتر توسعه یافته تعیین و از نابرابری مناطق جلوگیری می شود (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳، به نقل از Jadidi Miandashti, 2004: 18).

در زمینه مباحث توسعه تاکنون نظریه های مختلفی مطرح شده است. نظریات توسعه ناحیه ای به طور عموم پس از جنگ جهانی دوم به عنوان نگرش هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی توزیع بهینه و کارآمدتر منابع تخصیصی مجدد منابع رشد متوازن تر نواحی و کاهش نابرابری های مطرح بود؛ از پیشگامان نظریات توسعه ناحیه ای افرادی چون والتر ایزارد، گورنار میردال، فرانسوا پرو، فریدمن و هیرشمن را می توان نام برد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه ناحیه‌ای را مبتنی بر توجیه شرایط بازار آزاد می‌دانند که جریان آزاد منابع بین نواحی در یک سرزمین یا کشور در بلندمدت، نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود می‌آورد (نقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۹، به نقل از پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۰۰). نئوکینزها یا طرفداران نظریه پایه اقتصادی، صادرات را به عنوان مهم‌ترین پایه رشد شهرستان در نظر دارند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹، به نقل از صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). در دهه ۱۹۵۰ نظریه وابستگی به وجود آمد. در این نظریه، به تاثیرات حاصل از وابستگی اقتصادی کشورهای جهان سوم به نظام جهانی اشاره می‌شود که تاثیرات ناشی از آن نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان نواحی داخلی را سبب می‌گردد. به طوری که با تمرکز منابع و امکانات در مادرشهرهای بزرگ و تک شهرهای مسلط ناحیه‌ای، شکاف میان ثروت و فقر را عمیق کرده و روند کلی توسعه را آهسته نموده است (شکوئی، ۱۳۷۷: ۴۵۰). یکی از مفاهیم مرتبط با توسعه، مفهوم قطب رشد است که فرانسوا پرو در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد. فرانسوا پرو، نحوه نگرش به توسعه نواحی را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول، با سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری، واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله دوم، با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، همگرایی و برابری به وجود می‌آید (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۲، به نقل از حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). جان فریدمن نیز با ارائه نظریه مرکز و پیرامون به ایجاد رابطه استعماری میان مرکز و پیرامون در سیستم فضایی اشاره می‌کند. وی بر این عقیده است که هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به شمار آورد. این بخش در حالت سلطه پذیری و وابستگی نسبت به مرکز قرار دارد (ریگی و یآوری، ۱۳۹۶: ۳۰، به نقل از پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۳). رابطه مرکز-پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروز ساختاری قطبی شده، با جابه جایی برخی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹، به نقل از پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۰۴). با توجه به چارچوب نظری بیان شده، وجه اشتراک همه آنها توجه به نابرابری‌های ناحیه‌ای و همچنین توجه به رشد و توسعه نواحی کمتر توسعه‌یافته است. طبق نظریه‌های مطرح شده، نظریه‌های قطب رشد و مرکز-پیرامون، علت اصلی نابرابری‌های موجود میان نواحی را عوامل داخلی دانسته‌اند. این در حالی است که نظریه اقتصاد پایه در ریشه‌یابی علل توسعه‌نیافتگی بر عوامل خارجی تاکید دارد و عوامل خارجی را دارای نقش اصلی و تعیین‌کننده در ایجاد نابرابری‌های موجود میان نواحی می‌داند.

از جمله معیارهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای مشخص کردن نابرابری‌ها، تعیین وضعیت مناطق بر حسب برخورداری از شاخص‌های توسعه است (ظفری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰، به نقل از زیاری و

دیگران، ۱۳۸۷: ۷۸). نابرابری‌های منطقه‌ای در سطوح زندگی از جمله بهداشت، آموزش، مسکن و... می‌توانند ضرورت برنامه‌ریزی توسعه در مناطق مختلف را به صورت گویا بازگو نمایند. شناسایی وضع موجود مناطق اساسی‌ترین موضوع در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به شمار می‌رود که مستلزم تجزیه و تحلیل در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، اجتماعی-فرهنگی است. یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچگی آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی درون مناطق است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۰، به نقل از فنی، ۱۳۸۳: ۲). تغییرات اجتماعی-اقتصادی دهه‌های اخیر عدم تعادل منطقه‌ای و تمرکز بیش از حد امکانات در برخی نقاط و محرومیت دیگر نقاط را در پی داشته است. در نتیجه برخی مناطق در مقایسه با سایر مناطق یک کشور عملکرد بهتری داشته، در نتیجه از رشد و توسعه مطلوب‌تری برخوردار بوده‌اند. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (منطقه‌ای) سعی در ایجاد تعادل‌هایی بین و درون ناحیه‌ای دارد؛ بنابراین در فرآیند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای باید کل ناحیه را به طور جامع در نظر گرفت (مشکینی و معززبرآبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۲، به نقل از حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۱۴۴). در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن‌ها اهمیت زیادی دارد. در این میان سطح‌بندی توسعه روشی برای سنجش توسعه مناطق است، که اختلاف فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت آن‌ها را از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند (سجادیان و اکرامی، ۱۳۹۷: ۴۸، به نقل از شیخ بیگلو و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰). دسته‌بندی مناطق و یا شهرستان‌ها از لحاظ توسعه‌یافتگی و یا عدم توسعه‌یافتگی یکی از ابزارهای مهم در برنامه‌ریزی برای توسعه می‌باشد. جهت این امر استفاده از شاخص‌های مختلف در هر بخش ضروری است. نابرابری‌های منطقه‌ای، حاصل و برآیند عدم تعادل در ابعاد منطقه‌ای به ویژه بین فضاهای حاشیه‌ای و قطب‌های توسعه می‌باشد. بدین منظور تا زمانی که این نابرابری‌های منطقه‌ای وجود دارد، نیاز به شناخت آن‌ها که نهایتاً برنامه‌ریزی منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، وجود دارد (مومنی و قهاری، ۱۳۹۲: ۵۴). نابرابری‌های منطقه‌ای را می‌توان به وسیله شاخص‌های عینی و ذهنی (درآمد، بهداشت، تلفن و غیره) مشخص نمود (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶، به نقل از Kutcherauer & al, 2010: 18). استفاده از این شاخص‌ها می‌تواند معیار مناسبی برای تعیین جایگاه نواحی و عاملی در جهت رفع مشکلات باشد. در همین راستا برنامه‌ریزان به ابداع تکنیک‌ها و روش‌هایی برای سطح‌بندی نواحی پرداخته‌اند تا از این راه درجه‌ی توسعه یافتگی مناطق را دریابند و بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (تقوایی و صالحی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰، به نقل از بدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۶). بنابراین سطح‌بندی مناطق (شهرستان‌های) مختلف یک استان با استفاده از این تکنیک‌ها و تئوری‌ها در خور توجه است، زیرا با شناخت میزان

برخورداری هر یک از شهرستان‌های موجود در محدوده یک استان می‌توان میزان آشفستگی توزیع امکانات و خدمات عرضه شده به مناطق مختلف را مشاهده نمود و با داشتن اطلاعات جامع و دقیق از سطح برخورداری یا محرومیت شهرستان‌ها، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع متناسب با نیازهای هر ناحیه مقدور خواهد شد (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۴). شناخت نابرابری و عدم تعادل در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف (کشور، استان و شهرستان)، پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاستگذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها، از وظایف اساسی متولیان توسعه مناطق جغرافیایی به شمار می‌رود. برنامه‌های توسعه باید به دنبال بهبود و ارتقای سطح زندگی باشد. کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای به منظور جلوگیری از حرکات و جابه‌جایی نیروی انسانی و سرمایه، در فراهم سازی زمینه‌های توسعه بسیار مؤثر است (مشکینی و معززآبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۳، به نقل از علوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۰). بررسی نابرابری و وجوه آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است؛ زیرا، در حقیقت، کشورهایی توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است؛ اما، در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۹، به نقل از یاسوری، ۱۳۸۸: ۲۰۲). در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و منطقه‌ای برای برنامه‌ریزی بهتر نواحی گوناگون یک کشور لازم است که نواحی از نظر برخورداری طبقه‌بندی شده تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری، بتوان برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمود (صفائی پور و مودت، ۱۳۹۲: ۱۳، به نقل از حسین زاده دلیر، ۱۳۸۷: ۱۸۱). در ایران و در بین استان‌های آن از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه، عدم تعادل و تفاوت زیادی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل افزایش این نابرابری‌ها عدم شناسایی ابعاد مختلف نابرابری‌ها و سیاست‌های اجرایی نامتناسب برای رسیدن به اهداف مذکور است (سرور و خلیجی، ۱۳۹۴: ۹۰). بنابر این بررسی وضعیت برخورداری از امکانات و خدمات به منظور پی بردن به چگونگی روند اجرای برنامه‌های توسعه می‌تواند در زمینه سیاستگذاری و جهت‌دهی به جریان سرمایه تاثیرگذار باشد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش، شهرستان‌های استان گیلان است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس روش کتابخانه‌ای، اسنادی صورت گرفته که از طریق سالنامه آماری و آمارنامه

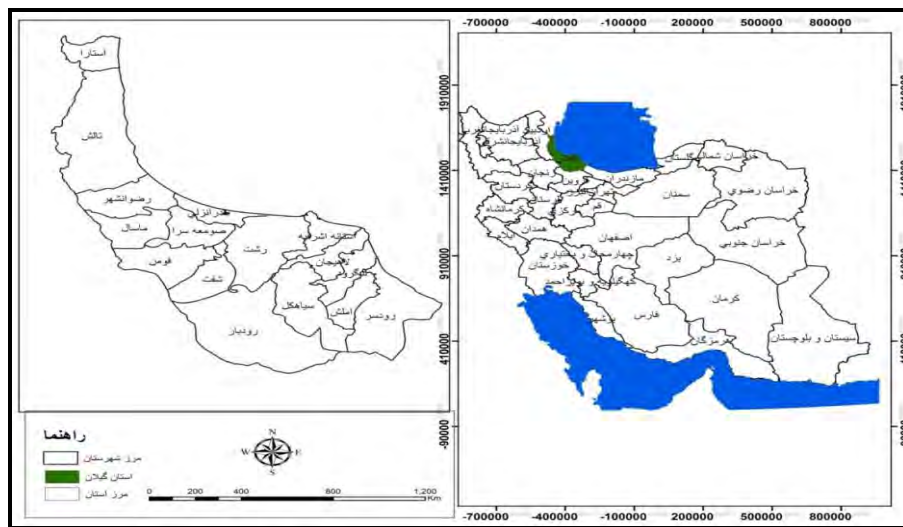
سال ۱۳۹۶ استان در سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان و داده‌های موجود در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۹۳ در سایت مرکز آمار ایران جمع‌آوری گردیده است. برای محاسبات آماری و تحلیل داده‌های تحقیق از نرم افزار اکسل و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از جمله مدل تاپسیس و وزن‌دهی به روش آنتروپی شانون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و وضعیت توسعه یافتگی و میزان برخورداری شهرستان‌ها به لحاظ شاخص‌های مختلف توسعه مشخص شده است و همچنین برای ترسیم و تهیه نقشه‌ها از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده گردیده است.

محدوده و قلمرو پژوهش

استان گیلان، یکی از استان‌های شمالی ایران به مرکزیت کلانشهر رشت است که بالغ بر ۱۴ هزار کیلومترمربع مساحت دارد. رشته کوه‌های البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر، همانند دیواری در باختر و جنوب گیلان کشیده شده و این منطقه جز از راه دره منجیل، راه شوسه دیگری به فلات ایران ندارد. این استان، از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. جمعیت آن طبق سرشماری ۱۳۹۵، ۲۵۳۰۶۹۶ نفر است.

براساس تقسیمات کشوری استان گیلان در سال ۱۳۹۶ دارای ۵۲ شهر، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان، ۲۹۰۵ آبادی بوده است که از این تعداد ۲۵۶۷ آبادی دارای سکنه و ۳۳۸ آبادی خالی از سکنه بوده است. شهرستان‌های استان عبارتند از: آستارا- آستانه اشرفیه- املش- بندرانزلی- تالش- رشت- رضوانشهر- رودبار- رودسر- سیاهکل- شفت- صومعه سرا- فومن- لاهیجان- لنگرود و ماسال (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۶). نقشه شماره (۱) نیز موقعیت جغرافیایی استان گیلان را بر روی کشور نمایش می‌دهد. گیلان دهمین استان پرجمعیت است. تراکم جمعیت در این استان با ۱۷۷ نفر در هر کیلومترمربع جایگاه سوم را در ایران دارد. کلانشهر رشت با داشتن ۴۶ درصد جمعیت کل استان، مرکز و پرجمعیت‌ترین شهر شمال کشور و یازدهمین شهر پرجمعیت ایران است. این شهر تقریباً هفت برابر دومین شهر استان یعنی بندر انزلی است. و این خود بیانگر وضعیت نابرابر استقرار جمعیت در استان است. نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در کل استان گیلان طی سال‌های ۸۵-۹۵ طبق آمار نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۸۵، ۴۳/۲ درصد بوده در حالی که نرخ بیکاری در همان سال ۱۱/۴ درصد بوده است. در حالی که با گذشت ۱۰ سال یعنی آخرین آمار موجود در سال ۱۳۹۵ طی این ۱۰ سال با فراز و نشیب‌هایی همراه شده که در نهایت

در سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت اقتصادی کاهش ۴ درصدی (۳۹/۳) و نرخ بیکاری که یک شاخص منفی است افزایش ۲/۳ درصدی (۱۳/۷) را به همراه داشته است.



نقشه ۱- محدوده و قلمرو پژوهش

شاخص‌های تحقیق

در این پژوهش از ۶۷ شاخص استفاده شده، که شامل ۲۶ شاخص اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، ۲۵ شاخص اقتصادی و ۱۶ شاخص بهداشتی-درمانی می‌باشد. جدول (۱) تعداد شاخص‌ها و گروه‌بندی آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

شاخص	بخش
نرخ باسوادی کل (X1)، نرخ باسوادی زنان (X2)، نرخ باسوادی کل در نقاط روستایی (X3)، نرخ باسوادی زنان در نقاط روستایی (X4)، نسبت معلم به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز (X5)، نسبت مدارس ابتدائی به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز ابتدائی (X6)، نسبت مدارس دبیرستان به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز راهنمایی (X7)، نسبت مدارس دبیرستان به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز دبیرستان (X8)، سرانه کتاب به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت باسواد شهرستان (X9)، نسبت کتابخانه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت باسواد شهرستان (X10)، نسبت سینما به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (X11)، نسبت صندلی سینما به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (X12)، نسبت چاپخانه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (X13)، نسبت سالن نمایش به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (X14)، نسبت صندلی سالن نمایش به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (X15)، نسبت اعضای کتابخانه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت باسواد شهرستان (X16)، نسبت افراد تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی به ازاء	اجتماعی-فرهنگی، آموزشی

<p>۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x17)، نسبت بیمه شدگان تحت پوشش بیمه سلامت به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x18)، نسبت افراد تحت پوشش کمیته امداد به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x19)، ضریب شهرنشینی (x20)، نسبت کلاس ابتدائی به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز ابتدائی (x21)، نسبت معلم ابتدائی به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز ابتدائی (x22)، نسبت افراد دانش آموخته عالی به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت باسواد شهرستان (x23)، نسبت آبادی های خالی از سکنه در هر شهرستان (درصد) (x24)، نسبت مراجعه به کتابخانه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت باسواد شهرستان (x25)، نسبت مدارس (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) به ازاء ۱۰۰۰ نفر دانش آموز ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان (x26)</p>	
<p>نرخ اشتغال کل (x27)، نرخ اشتغال زنان (x28)، نرخ مشارکت اقتصادی (کل) (x29)، نرخ مشارکت اقتصادی (زنان) (x30)، نرخ فعالیت (کل) (x31)، نرخ فعالیت (زنان) (x32)، نسبت بهره برداران دارای زمین به کل (درصد) (x33)، نسبت کشاورزان باسواد به کل (درصد) (x34)، نسبت کشاورزان دارای تحصیلات عالی به کل باسوادان کشاورز (درصد) (x35)، سرانه زمین اراضی زراعی و باغی (مترمربع) (x36)، سرانه واحد دامی به ازاء هر بهره بردار (x37)، نسبت واحد دامی هر شهرستان (درصد) (x38)، نسبت اراضی زراعی و باغی آبی (درصد) (x39)، سرانه تولید عسل (کیلوگرم) (x40)، سرانه بهره بردار تولید عسل (کیلوگرم) (x41)، نسبت تعداد فرصت های شغلی به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x42)، نسبت متقاضان کار ثبت نام شده به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x43)، نسبت افراد به کار گمارده شده به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x44)، سرانه تولید شیر (کیلوگرم) (x45)، سرانه تولید گوشت قرمز (کیلوگرم) (x46)، سرانه تولید گوشت مرغ (کیلوگرم) (x47)، سرانه تولید مرغ گوشتی صنعتی (کیلوگرم) (x48)، سرانه تولید ماهی گرم آبی و سرد آبی (کیلوگرم) (x49)، سرانه تولید تخم مرغ (کیلوگرم) (x50)، سرانه برق مصرفی (هزار کیلو وات ساعت) (x51)</p>	اقتصادی
<p>نسبت بیمارستان به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x52)، نسبت تخت بیمارستانی ثابت به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x53)، تعداد پزشکان (کل) به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x54)، تعداد دندانپزشک به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x55)، تعداد پیراپزشکان به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x56)، نسبت آزمایشگاه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x57)، نسبت تخت های فعال بخش های بیمارستانی به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x58)، نسبت داروخانه به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x59)، تعداد پزشکان عمومی به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x60)، تعداد پزشکان متخصص به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x61)، نسبت مراکز بهداشتی-درمانی (روستایی و شهری) به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x62)، نسبت خانه های بهداشت (فعال) به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x63)، نسبت مراکز توانبخشی به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x64)، نسبت مراکز پرتونگاری به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x65)، نسبت پرستار و ماما به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x66)، نسبت بهیار و بهورز به ازاء ۱۰ هزار نفر جمعیت شهرستان (x67)</p>	بهداشتی- درمانی

به منظور وزن دهی به شاخص ها از روش آنتروپی شانون استفاده گردیده است که در جدول ۲

نمایش داده شده است.

جدول ۲- وزن شاخص‌های تحقیق

شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن
X1	۰.۰۰۰۱۱	X24	۰.۰۲۶۰۰	X47	۰.۰۳۶۸۱
X2	۰.۰۰۰۱۸	X25	۰.۰۱۱۸۷	X48	۰.۰۴۲۱۳
X3	۰.۰۰۰۱۵	X26	۰.۰۰۳۸۲	X49	۰.۰۶۰۶۹
X4	۰.۰۰۰۱۶	X27	۰.۰۰۰۰۵	X50	۰.۰۲۴۷۳
X5	۰.۰۰۱۶۶	X28	۰.۰۰۰۲۰	X51	۰.۰۰۴۳۱
X6	۰.۰۰۵۳۸	X29	۰.۰۰۰۱۱	X52	۰.۰۰۹۳۳
X7	۰.۰۰۲۹۱	X30	۰.۰۰۱۲۲	X53	۰.۰۰۵۷۲
X8	۰.۰۰۲۹۸	X31	۰.۰۰۰۰۲	X54	۰.۰۰۱۸۸
X9	۰.۰۱۱۶۷	X32	۰.۰۰۰۰۲	X55	۰.۰۰۴۳۲
X10	۰.۰۱۱۸۶	X33	۰.۰۰۰۳۸	X56	۰.۰۰۱۹۴
X11	۰.۰۸۲۶۹	X34	۰.۰۰۰۱۹	X57	۰.۰۰۲۴۵
X12	۰.۰۸۷۶۸	X35	۰.۰۰۲۸۳	X58	۰.۰۱۴۱۵
X13	۰.۰۱۱۰۲	X36	۰.۰۰۳۶۳	X59	۰.۰۰۳۱۸
X14	۰.۰۳۶۲۵	X37	۰.۰۰۴۶۴	X60	۰.۰۰۳۵۶
X15	۰.۰۴۰۴۲	X38	۰.۰۱۸۸۴	X61	۰.۰۱۴۹۷
X16	۰.۰۰۷۲۴	X39	۰.۰۰۲۶۵	X62	۰.۰۰۴۸۶
X17	۰.۰۰۳۳۵	X40	۰.۰۳۷۱۴	X63	۰.۰۱۰۳۲
X18	۰.۰۰۳۲۰	X41	۰.۰۱۹۵۸	X64	۰.۰۱۳۹۰
X19	۰.۰۰۸۱۴	X42	۰.۰۷۳۱۶	X65	۰.۰۲۳۲۰
X20	۰.۰۰۴۴۶	X43	۰.۰۳۴۸۸	X66	۰.۰۰۳۶۰
X21	۰.۰۰۰۸۸	X44	۰.۰۸۶۷۱	X67	۰.۰۰۷۴۳
X22	۰.۰۰۱۹۶	X45	۰.۰۱۰۰۴		
X23	۰.۰۲۹۲۵	X46	۰.۰۱۴۹۶		

یافته‌های تحقیق

طبق بررسی‌های صورت گرفته از طریق مدل تاپسیس، شهرستان‌های استان گیلان در سه سطح مناطق توسعه یافته، مناطق نسبتاً توسعه یافته، مناطق کمتر توسعه یافته تقسیم گردیدند. جدول (۳) میزان تاپسیس و رتبه کسب شده شهرستان‌های استان گیلان را نشان می‌دهد که در ادامه بر این اساس، اقدام به تهیه نقشه سطح‌بندی توسعه‌یافتگی به تفکیک شاخص‌ها شده است.

جدول ۳- میزان تاپسیس و رتبه شهرستان‌های استان گیلان به تفکیک شاخص‌ها

شاخص/شهرستان	کل		شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی		شاخص‌های اقتصادی		شاخص‌های بهداشتی-درمانی	
	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس
شهرستان								
آستارا	۸	۰/۲۷۹۷	۴	۰/۴۸۶۶	۷	۰/۱۶۳۹	۶	۰/۳۸۲۰
آستانه اشرفیه	۱۱	۰/۱۸۶۶	۱۰	۰/۲۴۲۷	۱۰	۰/۱۳۸۷	۱۰	۰/۳۵۵۶
املش	۱۲	۰/۱۵۷۲	۱۱	۰/۲۲۰۲	۱۳	۰/۱۱۲۹	۱۵	۰/۲۳۲۱
بندرانزلی	۱	۰/۶۶۷۶	۱	۰/۷۴۴۳	۱	۰/۶۴۸۸	۳	۰/۴۹۱۶
تالش	۱۶	۰/۱۲۳۶	۱۶	۰/۰۶۵۰	۱۱	۰/۱۳۷۰	۱۴	۰/۲۴۲۸
رشت	۵	۰/۲۸۹۵	۷	۰/۲۷۲۲	۴	۰/۲۸۹۵	۲	۰/۵۱۷۰
رضوانشهر	۱۴	۰/۱۳۱۹	۱۵	۰/۱۱۵۷	۸	۰/۱۳۹۴	۱۶	۰/۱۰۸۶
رودبار	۶	۰/۲۸۰۳	۵	۰/۴۱۸۷	۵	۰/۲۱۷۰	۴	۰/۴۸۱۵
رودسر	۱۵	۰/۱۲۶۵	۱۳	۰/۱۸۱۹	۱۶	۰/۰۷۰۶	۷	۰/۳۷۸۳
سیاهکل	۱۰	۰/۱۹۲۲	۸	۰/۲۵۶۴	۹	۰/۱۳۸۹	۱۱	۰/۳۱۱۸
شفت	۳	۰/۳۱۵۸	۱۲	۰/۲۰۸۵	۲	۰/۳۴۸۲	۱۲	۰/۳۰۹۵
صومعه سرا	۷	۰/۲۸۰۲	۹	۰/۲۵۴۰	۳	۰/۲۹۰۳	۹	۰/۳۵۸۷
فومن	۴	۰/۲۹۹۳	۳	۰/۵۵۸۸	۶	۰/۱۷۱۲	۸	۰/۳۷۱۳
لاهیجان	۹	۰/۲۱۲۳	۶	۰/۲۸۲۱	۱۲	۰/۱۲۱۶	۱	۰/۸۱۷۱
لنگرود	۱۳	۰/۱۳۸۹	۱۴	۰/۱۷۰۸	۱۵	۰/۱۰۴۵	۵	۰/۴۰۶۸
ماسال	۲	۰/۳۸۵۶	۲	۰/۷۱۲۱	۱۴	۰/۱۱۰۶	۱۳	۰/۳۰۹۳

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۳۹۹)

محاسبه شاخص‌ها بر اساس مدل ویکور نیز از قرار زیر است:

در این قسمت پس از مشخص نمودن سطح توسعه یافتگی هر یک از شهرستان‌ها که بر اساس مدل تاپسیس صورت گرفت به بررسی سطح توسعه یافتگی بر اساس مدل ویکور پرداخته شده است. که نتایج کلی حاکی از آن است که شهرستان‌های بندرانزلی، ماسال، آستارا، فومن و سپس رشت به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم و شهرستان‌های تالش، رضوانشهر، رودسر، لنگرود و املش نیز به ترتیب رتبه‌های آخر را کسب نموده‌اند.

جدول ۴- میزان مقادیر محاسبه شده و رتبه شهرستان‌های استان گیلان به تفکیک شاخص‌ها بر اساس

مدل ویکور

رتبه نهایی	بهداشتی		رتبه نهایی	اقتصادی		رتبه نهایی	اجتماعی و فرهنگی		رتبه	سرجمع شاخصها	شاخص شهرستان
	۰	۱		۰	۱		۰	۱			
۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	بندرانزلی
۲	۰/۲۸۸	۲	۲	۰/۶۳۹	۲	۲	۰/۱۲۴	۲	۲	۰/۶۳۴	ماسال
۳	۰/۳۲۸	۳	۳	۰/۶۴۹	۳	۳	۰/۱۷۷	۳	۳	۰/۶۶۵	آستارا
۴	۰/۳۶۴	۴	۴	۰/۷۲۰	۴	۴	۰/۳۵۴	۴	۴	۰/۶۸۰	فومن
۵	۰/۵۲۵	۵	۵	۰/۷۴۹	۵	۵	۰/۴۳۶	۵	۵	۰/۶۸۷	رشت
۶	۰/۵۳۱	۶	۶	۰/۷۸۲	۶	۶	۰/۶۲۷	۶	۶	۰/۶۹۹	رودبار
۷	۰/۵۶۱	۷	۷	۰/۷۹۴	۷	۷	۰/۶۶۷	۷	۷	۰/۷۰۶	لاهیجان
۸	۰/۵۶۸	۸	۸	۰/۸۰۴	۸	۸	۰/۷۵۸	۸	۸	۰/۷۴۸	ثفت
۹	۰/۵۷۳	۹	۹	۰/۸۱۵	۹	۹	۰/۷۶۳	۹	۹	۰/۷۵۹	صومعه سرا
۱۰	۰/۵۹۱	۱۰	۱۰	۰/۸۱۹	۱۰	۱۰	۰/۷۷۲	۱۰	۱۰	۰/۸۲۹	سیاهکل
۱۱	۰/۵۹۴	۱۱	۱۱	۰/۸۴۴	۱۱	۱۱	۰/۷۸۰	۱۱	۱۱	۰/۸۶۱	آستانه اشرفیه
۱۲	۰/۶۱۴	۱۲	۱۲	۰/۸۴۸	۱۲	۱۲	۰/۸۱۰	۱۲	۱۲	۰/۸۶۶	املش
۱۳	۰/۶۵۰	۱۳	۱۳	۰/۸۷۱	۱۳	۱۳	۰/۸۱۵	۱۳	۱۳	۰/۹۱۳	لنگرود
۱۴	۰/۷۴۸	۱۴	۱۴	۰/۸۸۴	۱۴	۱۴	۰/۸۳۷	۱۴	۱۴	۰/۹۱۳	رودسر
۱۵	۰/۸۲۳	۱۵	۱۵	۰/۹۵۲	۱۵	۱۵	۰/۹۲۹	۱۵	۱۵	۰/۹۷۸	رضوانشهر
۱۶	۱	۱۶	۱۶	۰/۹۷۲	۱۶	۱۶	۱	۱۶	۱۶	۱	تالش

وضعیت برخورداری در سرجمع شاخص‌ها

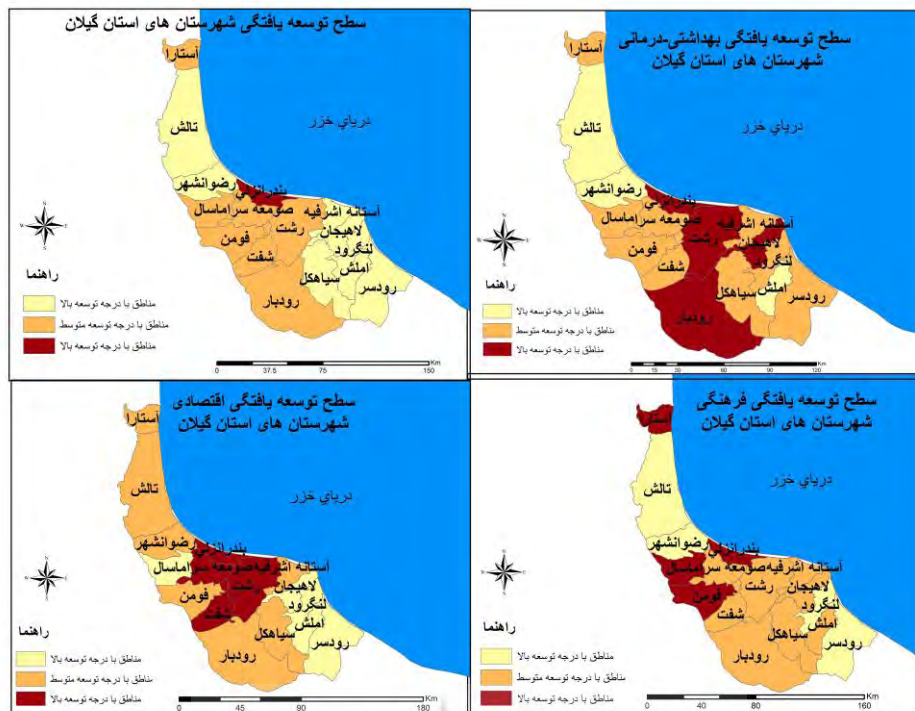
در زمینه شاخص‌های ترکیبی بر اساس میزان تاپسیس و ویکور، شهرستان بندرانزلی، به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان استان، شهرستان‌های لاهیجان، سیاهکل، آستانه اشرفیه، املش، لنگرود، رضوانشهر، رودسر، تالش، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته قرار دارند، به طوری که شهرستان بندرانزلی با تاپسیس ۰.۶۶۷۶ و مقدار ویکور ۰ بیشترین میزان و در بین شهرستان‌های استان، رتبه اول را کسب نموده است که نشان می‌دهد این شهرستان از نظر توسعه‌یافتگی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. همچنین شهرستان تالش با تاپسیس ۰.۱۲۳۶ و رتبه ویکور ۱ پایین‌ترین میزان و در بین شهرستان‌ها، رتبه آخر یا ۱۶ را کسب نموده است که از نظر توسعه یافتگی، این شهرستان در مقایسه با شهرستان‌های استان با وضعیت مطلوب فاصله دارد. نقشه (۲) سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان را در بخش شاخص‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

در زمینه شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی بر اساس میزان تاپسیس و همچنین ویکور، شهرستان‌های بندرانزلی، ماسال، فومن، آستارا، به عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های رودسر، لنگرود، رضوانشهر، تالش، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته قرار دارند، به طوری که شهرستان بندرانزلی با

تاپسیس ۰.۷۴۴۳ بیشترین میزان و رتبه اول را در بین شهرستان‌های استان کسب نموده است و شهرستان تالش با تاپسیس ۰.۰۶۵۰ کمترین میزان و رتبه آخر یا ۱۶ را در بین شهرستان‌ها کسب نموده است. نقشه شماره (۲) سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان را در بخش شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی نشان می‌دهد.

در زمینه شاخص‌های اقتصادی بر اساس میزان تاپسیس، شهرستان‌های بندرانزلی، شفت، صومعه‌سرا، رشت، به عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های لاهیجان، املش، ماسال، لنگرود، رودسر، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته قرار دارند، به طوری که شهرستان بندرانزلی با تاپسیس ۰.۶۴۸۸ و ویکور ۰.۰۰۰ بیشترین میزان و رتبه اول را در بین شهرستان‌های استان کسب نموده است و شهرستان رودسر با تاپسیس ۰.۰۷۰۶ و ویکور ۰.۹۷۲ کمترین میزان و رتبه آخر یا ۱۶ را در بین شهرستان‌ها کسب نموده است نقشه شماره (۲) سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان را در بخش شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد.

در زمینه شاخص‌های بهداشتی-درمانی بر اساس میزان تاپسیس، شهرستان‌های لاهیجان، رشت، بندرانزلی، رودبار، به عنوان توسعه یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های تالش، املش، رضوانشهر، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته قرار دارند، به طوری که شهرستان لاهیجان با تاپسیس ۰.۸۱۷۱ و ویکور ۰.۰۰۰ بیشترین میزان و رتبه اول را در بین شهرستان‌های استان کسب نموده است و شهرستان رضوانشهر با تاپسیس ۰.۱۰۸۶ و ویکور ۱ کمترین میزان و رتبه آخر یا ۱۶ را در بین شهرستان‌ها کسب نموده است. نقشه شماره (۲) سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان را در بخش شاخص‌های بهداشتی-درمانی نشان می‌دهد.



نقشه ۲- سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان گیلان در بخش شاخص های مختلف اجتماع-فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی و درمانی

تفاوت بین شهرستان های ساحلی و غیرساحلی در شاخص های توسعه

پرسشی که در اینجا مطرح شد این بود که آیا بین شهرستان های ساحلی و غیرساحلی در شاخص های توسعه تفاوت وجود دارد یا نه؟. برای پاسخ به این پرسش در ادامه به بررسی و مقایسه شهرستان های حاشیه دریای خزر و سایر شهرستان های استان پرداخته شده است. بدین منظور یا استفاده از آزمون تحلیل واریانس آنوا (ANOVA) به بررسی و تحلیل بین دو جامعه آماری شهرستان های حاشیه دریای خزر (آستارا، تالش، رضوانشهر، بندر انزلی، رشت، آستانه اشرفیه، لاهیجان، رودسر و لنگرود) و شهرستان های دیگر (فومن، ماسال، صومعه سرا، رودبار، شفت، سیاهکل و املش) پرداخته شده است.

از آن جایی که آزمون اولیه آنالیز واریانس معنی دار شده است در ادامه کار از آزمون تعقیبی (Post Hoc) استفاده گردیده است. در خروجی آنالیز واریانس وقتی فرض برابری میانگین ها

رد شد، برای بررسی بیشتر داده‌ها و شناسایی اینکه این اختلاف از کجا ناشی می‌شود از آزمون LSD و Tukey در Post Hoc که به آزمون‌های تعقیبی و یا پس آزمون معروف هستند استفاده گردید. بر اساس جدول شماره ۵ که آنالیز واریانس بین دو جامعه را نمایان می‌سازد از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۵ درصد است با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین این دو جامعه تفاوت معنی داری وجود دارد.

این خود می‌تواند به دلیل اثراتی باشد که مزایای ناشی از ساحلی بودن و بهره‌مندی از دریای خزر بر شهرستانهای ساحلی است. به گونه‌ای که در بالا بر اساس مدل ویکور و تاپسیس نیز ۴ شهرستانی که به ترتیب دارای اولویت و برتری شدند (بندر انزلی، رشت، لاهیجان و آستارا) از شهرستان‌های کناره دریای خزر می‌باشند.

جدول ۵- آنالیز واریانس بین شهرستان‌های حاشیه دریای خزر و شهرستان‌های دیگر استان گیلان

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	شاخص فیشر	سطح معنی داری	
۰/۵۵۲	۳	۰/۱۸۴	۱۰/۴۸۹	۰/۰۴۲	واریانس بین گروهی
۰/۰۵۳	۳	۰/۰۱۸			واریانس درون گروهی
۰/۶۰۵	۶				واریانس کل

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق مختلف کشور، معتقدند که نظریه قطب رشد پویا نه تنها در کاهش و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای کشورهای توسعه نیافته موفق نبوده، بلکه باعث تشدید آن نیز شده است. از این روست که ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح به منظور رسیدن به توسعه متوازن توصیه می‌شود. مطابق دیدگاه این دسته از اقتصاددانان، هدف از توسعه متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامعه در همه نواحی باشد و تفاوت‌های زندگی بین ناحیه ای بایستی به حداقل برسد و در نهایت از بین برود. نخستین قدم در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناسایی وضع موجود آن مناطق است و این شناسایی خود مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه منطقه در بخش‌های مربوط و رتبه بندی سطوح بهره مندی از مواهب توسعه، ضروری است. در این پژوهش، درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان گیلان به صورت بخشی در ۳ بخش: اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و بهداشتی-درمانی با استفاده از ۶۷ شاخص بررسی شد و شهرستان‌ها با تکنیک تاپسیس و ویکور و در نهایت با توجه به الگوی

فضایی به صورت کریجینگ، با توجه به شاخص‌های متعدد اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و بهداشتی-درمانی به صورت مجزا و ترکیبی از نظر توسعه یافتگی رتبه‌بندی شدند. با توجه به محاسبات انجام شده با استفاده از روش تاپسیس و ویکور و کریجینگ (داده‌های سال ۱۳۹۶)، طبق نتایج به دست آمده در بخش شاخص‌های ترکیبی، شهرستان بندرانزلی، به عنوان توسعه یافته‌ترین شهرستان استان، شهرستان‌های لاهیجان، سیاهکل، آستانه اشرفیه، املش، لنگرود، رضوانشهر، رودسر، تالش، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته بوده‌اند.

در بخش شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، شهرستان‌های بندرانزلی، ماسال، فومن، آستارا، به عنوان توسعه یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های رودسر، لنگرود، رضوانشهر، تالش، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته بوده‌اند. همچنین در بخش شاخص‌های اقتصادی، شهرستان‌های بندرانزلی، شفت، صومعه‌سرا، رشت، به عنوان توسعه یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های لاهیجان، املش، ماسال، لنگرود، رودسر، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته بوده‌اند. و در نهایت در بخش شاخص‌های بهداشتی-درمانی، شهرستان‌های لاهیجان، رشت، بندرانزلی، رودبار، به عنوان توسعه یافته‌ترین شهرستان‌های استان، شهرستان‌های تالش، املش، رضوانشهر، به عنوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته، و بقیه شهرستان‌ها نیز در سطح نسبتاً توسعه یافته بوده‌اند. در نهایت امر شهرستان‌های استان گیلان به دو گروه حاشیه دریای خزر و دیگر شهرستان‌ها تقسیم گردید که نتیجه حاکی از تفاوت معنی‌دار بین این دو جامعه بود به گونه‌ای که ۴ شهرستان برتر بر اساس تکنیک‌های تاپسیس و ویکور نیز از شهرستان‌های حاشیه دریای خزر بوده‌اند.

نتایج تحقیق را می‌توان با نتایج تحقیق پژوهشگرانی چون سادات سعیده زرآبادی و همکاران (۱۳۹۷)، صدری فرد و همکاران (۱۳۹۶)، اذانی و شاه کرمی (۱۳۹۶)، ریگی و یاوری (۱۳۹۶)، جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۵)، مشکینی و معززبرآبادی (۱۳۹۵)، ملکی و حسینی (۱۳۹۵)، حسن پور و امان پور (۱۳۹۴)، میرباقری و همکاران (۱۳۹۴)، قنبری و همکاران (۱۳۹۳)، باهتیا و رای (۲۰۰۴)، مریم‌میرون و همکاران (۲۰۰۹) مقایسه نمود هر یک از این پژوهشگران به نحوی به سطح‌بندی مناطق مختلف از نظر شاخص‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و .. با استفاده از مدل‌ها و تکنیک‌های تصمیم‌گیری پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر در اغلب موارد تایید کننده یافته‌های تحقیقات پیشین مبنی بر وجود نابرابری منطقه‌ای چه درون و برون

استانی بوده است. در نهایت وجود رابطه بین ساحلی بودن و ضریب توسعه یافتگی شهرستانها نیز از یافته خاص این تحقیق به شمار می آید.

پیشنهادها

- ۱- تخصیص اعتبارات و سرمایه‌گذاریهای دولتی با توجه به وضعیت توسعه یافتگی شهرستانها
- ۲- جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در جهت کاهش نابرابری منطقه‌ای در سطح استان؛
- ۳- توزیع فضایی عادلانه‌ی خدمات مبتنی بر ملاحظات جمعیتی و ظرفیت‌های منطقه‌ای؛
- ۴- در زمینه شاخص‌های ترکیبی، شهرستان‌های لاهیجان، سیاهکل، آستانه‌اشرفیه، املش، لنگرود، رضوانشهر، رودسر، تالش در پایین‌ترین سطح توسعه قرار داشتند. بنابراین توجه بیشتر به آنها با هدف کاهش اختلاف و نابرابری‌ها در اولویت قرار دارد.
- ۵- توجه بیشتر به کاهش فاصله میان شهرستان‌های مختلف در زمینه شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و بهداشتی-درمانی؛
- ۶- تنظیم اولویت مجزا برای هر یک از شهرستان‌ها بر اساس مقادیر شاخص‌های انفرادی؛

منابع

- اذانی، مهری؛ شاه کرمی، منوچهر (۱۳۹۶). سنجش توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان بر اساس شاخص‌های آموزشی و فرهنگی با استفاده از مدل تاپسیس (TOPSIS)، پژوهش‌های مکانی-فضایی، شماره سوم: ص ۱۱-۱.
- اسماعیل‌زاده، حسن؛ صالحی‌پور، شمسی؛ اسماعیل‌زاده، یعقوب (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان البرز، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۰، شماره ۳ (پیاپی ۹۳): ص ۳۵-۱.
- امان‌پور، سعید؛ پرویزیان، علیرضا؛ علیزاده، مهدی (۱۳۹۴). سنجش وضعیت شاخص‌های توسعه یافتگی در شهرستان‌های استان ایلام، مقاله پژوهشی فرهنگ/ایلام، دوره ۴۹، ۷۸، ۱۶: ص ۲۷-۷.
- بابایی اقدم، فریدون؛ ویسی ناب، فتح‌الله؛ علی‌پور، خالد (۱۳۹۵). سطح‌بندی و تحلیل تطبیقی درجه توسعه یافتگی مورد شناسی: شهرستان‌های استان کرمانشاه، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۲۱: ص ۹۵-۱۱۲.
- تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی (۱۳۹۱). سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴: ص ۳۸-۱۵.

تقوایی، مسعود؛ صالحی، مریم (۱۳۹۲). سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان (با تأکید بر رویکرد تحلیل منطقه‌ای)، *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال سوم، شماره ۱۱: ص ۱۹-۳۰.

تقوایی، مسعود؛ صبوری، محمد (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲: ص ۴۸-۵۳.

حسن‌پور، سحر؛ امان‌پور، سعید (۱۳۹۴). سنجش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در استان گیلان، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی (ICGS2015) موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز: ایران، صص ۱-۱۰.

داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، سمانه؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۲). سنجش سطوح توسعه یافتگی و نابرابری‌های فضایی در استان خراسان شمالی با استفاده از مدل منطق فازی، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره بیست و یکم: صص ۱۲۰-۱۰۳.

رفیعیان، مجتبی؛ پیری، اسماعیل؛ کریمی، آرام؛ حیدری، سامان (۱۳۹۶). تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مرزی کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه شهری با استفاده از تلفیق تکنیک‌های AHP و TOPSIS، *مطالعات محیطی هفت حصار*، شماره بیست و دوم، سال ششم: صص ۵-۱۶.

ریگی، علی؛ یآوری، مرتضی (۱۳۹۶). ارزیابی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل‌های AHP و TOPSIS (شهرستان‌های زاهدان، زابل، ایرانشهر و چابهار)، *فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز*، سال سوم، شماره هشت: صص ۲۷-۳۸.

زیاری، کرامت‌الله؛ زنجیرچی، سیدمحمد؛ سرخ‌کمال، کبری (۱۳۸۹). بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسیس، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۲: صص ۱۷-۳۰.

سادات سعیده زرابادی، زهرا؛ شامی، محمدرضا؛ حسینی، سیدعلیرضا (۱۳۹۷). سطح‌بندی و سنجش میزان توسعه یافتگی منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری با بهره‌گیری و مقایسه تطبیقی نتایج روش‌های ارزیابی چندمعیاره (TOPSIS, ELECTRE, VIKOR)، *فصلنامه آمایش محیط*، پیاپی ۴۳: صص ۴۷-۷۶.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، آمارنامه سال ۱۳۹۶ استان.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، سالنامه آماری سال ۱۳۹۶ استان.

سجادیان، ناهید؛ اکرامی، نعیم (۱۳۹۷). سنجش میزان برخورداری استان‌های مرزی کشور از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس، *فصلنامه آمایش محیط*، شماره ۴۱، دوره ۱۱: صص ۴۷-۷۰.

سرور، رحیم؛ خلیجی، محمد (۱۳۹۴). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ششم، شماره بیست و یکم: صص ۸۹-۱۰۲.

- شکویی، حسین (۱۳۷۷). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- صدری فرد، افسانه؛ جلال آبادی، لیلا؛ کریمیان پور، فاطمه؛ زینی، ستایش (۱۳۹۶). تحلیل و ارزیابی سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی با استفاده از مدل TOPSIS، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هفتم، شماره ۲: ص ۳۳۰-۳۲۱.
- صفائی پور، مسعود؛ مودت، الیاس (۱۳۹۲). ارزیابی استان‌های ایران با تاکید بر شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی با استفاده از تکنیک TOPSIS و GIS، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره‌ی سوم: ص ۲۷-۱۱.
- ظفری، داریوش؛ حسینی، محمدحسین؛ خلیجی، محمدعلی؛ فتحی، محمد حسین (۱۳۸۹). رتبه‌بندی توسعه اجتماعی شهرستان‌های استان همدان، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره هشتم: ص ۱۲۹-۱۴۱.
- فلاحیان، ناهید؛ پورموسوی، سید موسی؛ ویسی، رضا؛ رضایپور، حسن (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل وضعیت برخورداری و میزان توسعه یافتگی شهرهای استان گیلان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال دهم، شماره ۳۱: ص ۷۸-۶۱.
- فیروزی، محمدعلی؛ محمدی ده چشمه، مصطفی؛ مختاری چلچله، صادق (۱۳۹۶). بررسی نابرابری منطقه‌ای در شهرستان‌های استان خوزستان، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال پانزدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۹: ص ۲۴۰-۲۱۷.
- قنبری، یوسف؛ برقی، حمید؛ حجاربان، احمد (۱۳۹۳). تحلیل و اولویت‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره بیست و یکم: ص ۱۸۰-۱۶۹.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۹۳.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.
- مشکینی، ابوالفضل؛ محدثه، معززبرآبادی (۱۳۹۵). رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از نظر شاخص‌های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی، فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، دوره ۱۰، شماره ۳، شماره پیاپی ۳۹: ص ۱۴۳-۱۲۱.
- ملکی، سعید؛ احمدی، رضا؛ داودی منجزی، انیس (۱۳۹۳). بررسی توزیع فضایی و رتبه‌بندی توسعه اقتصادی در شهرستان‌های استان خوزستان، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۶: ص ۲۲-۵.
- ملکی، سعید؛ حسینی، نبی‌الله (۱۳۹۵). سطح‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک فازی، فصلنامه علمی-ترویجی فرهنگ ایلام، دوره ۱۶، شماره ۵۰ و ۵۱: ص ۳۶-۲۳.

منتظر، فرامرز؛ شاهرخی فر، زینب (۱۳۹۷). سنجش میزان برخورداری از شاخص‌های بهداشتی-درمانی با تاکید بر رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اردبیل)، *مجله جغرافیا و روابط انسانی*، دوره ۱، شماره ۱: ص ۲۱۷-۱۹۸.

منوچهری، بهار؛ شیعه، اسماعیل (۱۳۹۲). سطح‌بندی میزان توسعه یافتگی اجتماعی-اقتصادی استان خراسان شمالی با استفاده از مدل تاپسیس، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال پنجم، شماره چهاردهم: ص ۸۴-۷۳.

مومنی، مهدی؛ قهاری، غلامرضا (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان فارس، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال سوم، شماره ۹: ص ۶۶-۵۳.

میرباقری، میرناصر؛ معصومی، دلاور؛ نوید، بهروز؛ صفوی، سید راشد (۱۳۹۴). سنجش توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از مدل‌های آنالیز تاکسونومی عددی و سلسله مراتبی، *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، سال سوم، شماره دهم: ص ۱۳۸-۱۲۷.

ویسی ناب، فتح‌الله (۱۳۹۶). ارزیابی و سنجش وضعیت نابرابری توسعه در شهرستان‌های استان کرمانشاه با تاکید بر شاخص اقتصادی، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۹، شماره ۳: ص ۱۴۱-۱۲۱.

Bhatia, VK. Rai, SC. (2004), Evaluation of Socio – Economic Development in Small Areas, New Degli .UNDP, HumanDevelopment Report, New York, 1991, pp110-230.

Frazier, j., “Sustainable Development: modern elixir or sack dress?” Journal of Environmental Concervation, vol.24, 1997.

Kutcherauer, A. Fachinelli, H. Hucka, M. Skokan, K.Suchaecek, J. Tuleja,P.(2010), VSB – Technical University of Ostrava.

Miron, D. Alina, M D. Simona, R. (2009), Index of Regional Economic Growth In Post. Accession Romania. Romanian Journal of Economic Forecasting. 9(3), pp 112-124.

Opricovic , S. (1998). Multi-criteria Optimization of Civil Engineering Systems. Belgrade: Faculty of Civil Engineering.

Opricovic, S., & Tzeng, G. (2004). Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS, European. Journal of Operational Research, 156(2), 445-455.

Rosenstein, C. (2011). Cultural development and city neighborhoods, City, Culture and Society, Vol. 2, No. 1, 9-15.